

چشم انداز تمهیدات امنیتی سازماندهی سیاسی فضای مجازی

سید محمدجواد سیدی فرد^۱

مریم رحمانی^۲

مختار تیموری^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر، نیاز به امنیت است که همواره عوامل متعدد و مفاهیم خاص در تعیین آن نقش دارند. مفهومی که در عصر حاضر، با رشد فناوری و فضای مجازی، شاهد تغییر و تحول بنیادین در آن هستیم. به عبارتی گفتمان امنیتی در عصر جدید وارد مرحله تازه‌ای شده و پرداختن به امنیت در فضای مجازی امری گریزناپذیر بوده و تلاش برای پایه‌ریزی بنیان‌های پژوهشی در این حوزه که جای خالی آن در آثار فعلی به چشم می‌خورد، از اهمیت زیادی برخوردار است. یکی از راههای تحقق این امر، تدوین و بهره‌گیری از تمهیدات امنیتی است که بتواند فضای مجازی را ساماندهی و کنترل کند. سوال اصلی این است که چه چشم اندازی برای این تمهیدات متصور است و در چه جهتی باید تدوین شوند. در راستای پاسخگویی بدین سوال، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از مدل ارگون، سازماندهی سیاسی فضای مجازی به عنوان چشم انداز تمهیدات امنیتی در این ارتباط، معرفی می‌گردد.

واژگان کلیدی: چشم انداز تمهیدات امنیتی، سازماندهی سیاسی، فضای مجازی، مدل ارگون.

velayateeshgh63@yahoo.com

raheni.mr@gmail.com

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

۲. دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی و مدرس دانشگاه زنجان

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حفاظت اطلاعات، دانشکده فاریابی

۱. مقدمه:

در عصر حاضر فضای مجازی را باید تجلی فضای واقعی دانست (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۴۳). به گونه‌ای که می‌توان بسیاری از واقعیات و مفاهیم جغرافیایی از جمله هویت‌های مکانی، قلمروخواهی، جهانی شدن، مرزهای جغرافیایی، امنیت ملی و دفاعی و ... را در فضای مجازی عینیت بخشید و مصادیق آن را یافت. این فضا و شبکه‌های زیرساختی آن که از ابعاد مهم توسعه ملی تلقی می‌شود، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از سوی دولت‌ها تولید و معماری شده و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند (همان: ۸۹).

با توجه به دامنه وسیع فضای مجازی در حوزه مفاهیم جغرافیایی و همچنین نقش اساسی و محوری دولت‌ها و حکومت‌ها در کنترل و مدیریت آن می‌توان این فضا را دارای بار سیاسی دانست. به عبارت دیگر می‌توان از این فضا به‌عنوان یک «ناحیه سیاسی» یادکرد، به گونه‌ای که بسیاری از ویژگی‌های یک سرزمین و پهنه جغرافیایی در فضای واقعی را می‌توان در آن یافت.

اگر سازمان‌دهی سیاسی فضا را بستر و زیربنای کنترل و توزیع زیرساخت‌ها و حتی پایه قدرت سیاسی بدانیم این حقیقت و ضرورت روشن می‌شود که چقدر دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای و مدیریت بینه آن وابسته به سازمان‌دهی منطقی و کارآمد سیاسی-اداری آن است (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳).

از آنجاکه حکومت‌های ملی ناگزیر بر تأمین امنیت فردی و ملی، دفاع از حقوق و حیثیت ملی و توسعه روابط در فضای واقعی و مجازی هستند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۹۵) و سازمان‌دهی سیاسی فضا، زمینه‌ساز بسترهای مناسبی در تمامی امور اقتصادی، امنیتی، دفاعی و سیاسی و فرهنگی است (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۲۹) و از طرفی مهم‌ترین سرمایه بشر در فضای مجازی اطلاعات حیاتی اوست (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۲۵۳)، بنابراین ضرورت طراحی و سازمان‌دهی سیاسی فضای مجازی برای حفظ دستاوردهای امنیتی و به‌خصوص دفاعی بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

از این رو در این پژوهش بر آنیم تا به تبیین چشم انداز تمهیدات امنیتی بر اساس ضوابط سازمان‌دهی سیاسی فضای مجازی بپردازیم. در جهت تحقق این امر، به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس گام‌های مدل چشم‌انداز سازی ارگون به بررسی ویژگی‌های فضای مجازی در بعد امنیتی و دفاعی پرداخته و سازمان‌دهی سیاسی فضای مجازی به عنوان چشم انداز تمهیدات امنیتی در این ارتباط، معرفی می‌گردد.

۱،۲. پیشینه تحقیق

تاکنون در حوزه فضای مجازی، پژوهش‌های متعددی با رویکردهای هویتی و توجه به نقش فضای مجازی در مباحث جهانی شدن و محاسن و معایب آن در جامعه صورت گرفته که در جای خود آثاری ارزشمند و درخور تامل است، اما با توجه به اثرگذاری زیاد این پدیده و پیچیدگی و گوناگونی ابعاد آن، هنوز زمینه‌های بسیار زیادی برای تحقیق و واکاوی در آن وجود دارد.

در کشور ما این موضوع بسیار جوان است و پژوهش‌هایی که انجام شده بیشتر ناظر بر جنبه‌های حقوقی و سیاسی مقوله فضای مجازی است. همچنین پژوهش‌های بین‌المللی آن‌هم عمدتاً یا به صورت معرفت‌شناسانه است که ناظر بر ابعاد جامعه‌شناختی است و یا به صورت مصداقی و موردی، تأثیرات فضای مجازی در تحولات جامعه مورد بررسی قرار گرفته است (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۰). درحالی که با توجه به اثرگذاری فضای مجازی بر فضای جغرافیایی، مطالعه آن بدون ملاحظه شرایط محیطی و انطباق با فضای جغرافیایی ممکن نیست. بررسی این انطباق که در ارتباط مستقیم با زندگی افراد جامعه است، لزوم پرداختن به امنیت را گریزناپذیر می‌کند.

بر همین اساس و به دلیل اینکه، نادیده انگاری جغرافیای واقعی و سیطره عینی و همه‌جانبه آن بر فضای مجازی، موجب سترون ماندن پژوهش‌های این حوزه می‌شود و نظر به اهمیت موضوع تلاش برای پایه‌ریزی بنیان‌های پژوهشی در این حوزه از اهمیت زیادی برخوردار است که جای خالی آن در آثار مذکور به چشم می‌خورد. بر همین اساس در این مقاله، اقدام به ارائه الگوی امنیتی‌ای بر اساس سازماندهی سیاسی فضای مجازی کردم.

۱، ۳. روش تحقیق

با توجه به موضوع پژوهش و نیز پیچیدگی تبیین مفاهیم جغرافیای سیاسی در فضای مجازی و سازماندهی سیاسی این فضا، از مدل چشم‌انداز آرگون به عنوان روش تحقیق استفاده شده است. مدل چشم‌انداز سازی آرگون، مدلی است که توسط شاخه ایالت آرگون انجمن برنامه ریزان آمریکا و به منظور ترویج و حمایت از امر برنامه‌ریزی‌های بلندمدت تدوین شده و توسط «استیون امس» به رشته تحریر درآمده است. مدل آرگون را فرایندی متشکل از چهار گام تشکیل می‌دهد که هر یک از گام‌ها بر اساس یک پرسش ساده بنا شده است:

- ۱- اکنون کجا هستیم؟ ۲- به کجا می‌رویم؟ ۳- کجا می‌خواهیم باشیم؟ ۴- چگونه به آنجا برسیم؟ (گلکار، ۱۳۸۴: ۱۷)

۲. مبانی نظری

بدون تردید هر پژوهشی می‌تواند بر اساس بنیان‌های نظری و مفاهیمی استوار شده باشد که شرح آن‌ها می‌تواند برای ارتباط بهتر با خواننده، مؤثر واقع شود. در این مقاله سعی شده خطوط اساسی اندیشه و مفاهیمی که مبانی بنیادین پژوهش بر آن استوار شده است، تبیین شود. لذا در ابتدا به بازخوانی و شرح مختصری از واژگان و مفاهیمی پرداخته می‌شود که شالوده و ساختار مفهومی این مقاله را بنیان نهاده است. این واژگان عبارت‌اند از:

۲، ۱. امنیت و جغرافیا

واژه «امنیت»^۱ به‌عنوان یک مفهوم عام، تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را در برمی‌گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می‌خورد (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۲۴). در تعاریف متعدد از امنیت این‌گونه بیان شده است:

وجود اطمینان نسبت به سلامت مال و جان و ناموس (مجتهد زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۱) و رهایی نسبی از تهدیدات. برژنيسکی نیز امنیت را عبارت از وجود بستر اقدامات نگه‌دارنده کشور از نفوذ دشمن دانسته است (برژنيسکی، ۱۳۶۹: ۱۲).

حافظ نیا امنیت را عبارت از حفظ تعادل کارکردی سیستم، تضمین‌کننده موجودیت و نیازهای فردی و جمعی انسان به‌نحوی که مانع از ایجاد نگرانی و ترس شود (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۲۷) می‌داند.

در یک برآیند کلی از مباحث ذکرشده، می‌توان گفت: «امنیت» عبارت است از حاصل برقراری و ایجاد یک بستر مطمئن در جامعه بشری به‌گونه‌ای که تعاملات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، دفاعی، اقتصادی و ... در کمال آرامش و با حداکثر راندمان موردنظر، صورت پذیرد. البته این یک ارتباط دوطرفه است به‌گونه‌ای که می‌توان این‌گونه ادعا کرد که هرگاه شاهد یک بستر مطمئن و آرام در تعاملات بشر باشیم، می‌توانیم بگوییم که «امنیت» به وجود آمده است (مجتهد زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

درحالی که مفهوم «امنیت» ثابت است، محتوای جغرافیای سیاسی آن تابع شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند (همان). بر این اساس مفهوم «امنیت» در مقیاس ملی دچار تحول شده است. درگذشته «امنیت» از منظر تهدید نظامی معنی‌دار بود که سرچشمه آن نیز در خارج از مرزها دیده می‌شد و برای مقابله با آن سازوکار نظامی پیشنهاد می‌گردید. ولی امروزه «امنیت ملی» علاوه بر بُعد نظامی، دارای ابعاد دیگری ازجمله اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، زیست‌محیطی و ... نیز است. همچنین منشأ آن علاوه بر خارج مرزها متأثر از عوامل داخلی نیز می‌باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۲۷).

به عبارتی با تحول شرایط جوامع، «امنیت ملی» نیز عبارت از شرایطی است که در آن منافع ملی و ارزش‌های داخلی یک ملت از گزند خطرهای و تهدیدات داخلی و خارجی، دورنگه داشته شود (مجتهد زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۲). خاستگاه امنیت ملی را می‌توان در سه حوزه جغرافیا، سیاست و قدرت جستجو کرد که اتکا به این خاستگاه‌ها، توانایی دولت‌ها را برای حفظ هویت مستقل و تمامیت کاربردی (جمعیت، سرزمین و دارایی) افزایش می‌دهد. محیط امنیتی‌ای که در این راستا ایجاد می‌شود، چارچوبی فضایی و مفهومی است که هر کشور بر اساس ارزش‌های حیاتی منافع ملی خود متصوراست. این چارچوب در زمان‌های مختلف تابع متغیرهایی چون ساختار نظام بین‌الملل، تحولات فن‌آوری، نظام ارزشی، قدرت ملی، نگرش هیئت حاکمه به تهدیدات امنیتی، نحوه پراکنش استقرار گاه‌های انسانی، زیرساخت‌های اقتصادی،

ارتباطی و مناسبات درون ملی و فراملی است (کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۶۷).

بر اساس آنچه ذکر شد؛ «تهدید»^۱ در برابر امنیت قرار می‌گیرد و به عبارتی «تهدید» امنیت را به چالش کشیده و آن را نفی می‌کند. درواقع امنیت تابع نوع، میزان و شدت تهدید قرار می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۳۳). تهدید صرف‌نظر از انواع (سیاسی، نظامی، اقتصادی و ...) و عوامل ایجاد آن (موقعیت ژئوپلیتیکی، احساس برتری، شرایط ملی، ساختار حکومت و ...)؛ دارای سرچشمه‌های مختلفی است که عمدتاً عبارت است از:

۱- منابع و ذخایر طبیعی و زیست‌محیطی

۲- توسعه و آمایش نابرابر سرزمینی (ازنظر اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و ...)

۳- تعارض و تضاد منافع

۴- فقدان الگوی مناسب موازنه قوا

۵- فقدان نظام مدیریتی کارآمد (همان: ۳۳۴-۳۳۷).

۲.۲. الگوهای امنیتی در جهان کنونی

اگر به مسئله «امنیت» در قالب امنیت ملی و امنیت دولت‌ها بنگریم، سه چشم‌انداز منطقه‌گرا، جهان‌گرا و نورئالیست، اصلی‌ترین چشم‌اندازهای ساختار امنیت بین‌المللی پس از جنگ سرد هستند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۷). در توضیح باید گفت که نگاه «نورئالیست» یک نگاه دولت‌محور بوده و بر «قطبش قدرت» متکی است و فرض می‌کند که در سطح جهانی یک تغییر ساختار اتفاق افتاده است و بر اولویت سطح جهانی قدرت و وجود یک جهان تک‌قطبی برای توازن قوا و ایجاد امنیت بین‌المللی تأکید دارد. دیدگاه «جهان‌گرا» تأکید بر غیر سرزمینی شدن دارد و به دنبال یک رهیافت فراملی برای برقراری امنیت است؛ اما «منطقه‌گرایی» یک نگاه جامع است و مشرف بر هر دو نگاه نورئالیستی و جهان‌گرایی. به عبارت دیگر منطقه‌گرایی بر این عقیده است که چون «امنیت» ریشه در مناطق سرزمینی دارد باید امنیت را در واکنش‌های منطقه‌ای جستجو کرد و از طرف دیگر به سبب اینکه تعاملات جهانی در مناطق مختلف مؤثرند، باید نیم‌نگاهی هم به جهان‌گرایی داشت. در حال حاضر الگوی امنیتی جهان بدین‌صورت ترسیم می‌شود که با مجموعه‌های امنیتی متفاوتی روبرو هستیم. گاهی چند قدرت بزرگ به واسطه قدرتی که دارند درصدد ارائه الگوی مدنظر خود هستند که برگرفته از «قطبش» قدرت‌هاست و رسیدن به توازن قدرت. گاهی هم با مجموعه امنیتی دولت‌هایی روبرو هستیم که با تحمل استعمارگران، در برقراری ثبات خود تلاش می‌کنند (همان: ۳۰). این الگوها تأثیرات خود را در فضاها و جغرافیایی به‌جای می‌گذارند. فضا در بسیاری از روش‌ها، کلید موضوعی جغرافیا محسوب می‌گردد برای توصیف دقیق‌تر این مبحث در ادامه به بررسی فضای مجازی و ارتباط آن با فضای واقعی می‌پردازیم.

۲,۳. فضای مجازی

بر اساس آنچه در بحث فضا مطرح شد؛ در بین عوامل متعدد فضایی، خود انسان قرارگرفته است که در داخل روابط اجتماعی ویژه، به فضا کارکرد و اعتبار اجتماعی می‌بخشد. تحلیل تأثیرات کنش‌ها و واکنش‌ها ناشی از عملکرد انسانی باعث ایجاد روابط فضایی از تعاملات و کارکردهای آن می‌شود. تأثیر این کارکرد به‌عنوان یک تصور و برداشت فضایی و احساس یک مکان، حتی می‌تواند به انتقال تجربه سکونت یک جامعه مجازی نیز کمک کند، اما نمی‌توان این جوامع را برحسب فضا و مکان فیزیکی تعریف و توصیف نمود (عزیزی فر، ۱۳۹۶: ۳۲)، زیرا تبیین مکانی و فضایی جغرافیای جدید مختص فضای سایر بوده و نیز دربرگیرنده محیطی است که در آن تکنولوژی نقش‌آفرینی ویژه کرده و در باز ساخت مجازی جغرافیای محیطی می‌کوشد. درواقع مطالعه جغرافیای مجازی به جنبه‌های متفاوت از رویکردهای انسانی در محیطی مجازی اشاره داشته که می‌تواند جغرافیای حقیقی را تحت تأثیر قرار دهد. توسعه تکنولوژی این امکان را به وجود آورد که تعاملات در هر حوزه دارای محدودیت‌های مکانی و فضایی نباشد. بی‌ارتباط نیست که برخی فناوری اطلاعاتی و ارتباطی را چالشی برای مکان و فضا در تفکرات پست‌مدرنیسم عنوان می‌کنند. از بین رفتن فاصله عنوان دیگری است که درواقع متبادرکننده کاهش شدید اهمیت مکان و فضا است. ارتباطات سریع و آنی به‌وسیله اینترنت و شبکه‌ها منجر به کم‌اهمیت شدن مرزهای مکانی و زمانی می‌شود. عبارت فشردگی زمان خود بازگوکننده آزادی و روابط اجتماعی و نیز سرمایه‌ها در قالب منطق مدرن فضایی است. لازم به توضیح است که توسعه فناوری منجر به کاهش زمان ارتباطات و نیز دسترسی به مکان‌هایی که به‌واسطه طولانی‌تر بودن آن‌ها از مقصد، زمان بیشتری برای دسترسی بدان‌ها نیاز بود، می‌گردد. ادراک فضا، تلاش برای فهم کنش انسانی در محیط است. حال آنکه محیط تنها دربرگیرنده زمین نخواهد بود زیرا چشم‌انداز مکانی داشتن از فضا محدودکننده تحلیل‌های فضایی به‌خصوص در عصر ارتباطات است. فرایند فضایی، سازوکاری است که ساخت فضایی یک یا چند پدیده را به وجود می‌آورد. هر فرایند فضایی، بیشتر حاصل تصمیمات انسانی است (شکوئی، ۱۳۸۲: ۲۹۲) ازاین‌رو می‌تواند در تحلیل فضای تکنولوژیک بر قائل بودن بعد فضایی فضای سایر تأکید نمود؛ اما به لحاظ ویژگی‌ها، ممکن است انطباق کاملی بر فضای جغرافیایی نداشته باشد. عدم محدودیت‌هایی که در فضای بدون محدودیت مجازی وجود دارد شاید یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این تفاوت باشد. درواقع فضای سایر این امکان را می‌دهد تا افراد و سازمان‌ها به شکلی انعطاف‌پذیرتر در ارتباط با فضای جغرافیایی واقعی عمل نمایند (عزیزی فر، ۱۳۹۶: ۵۸). در موارد متعدد وجود تفاوت‌های نژادی، جنسیتی، فکری، عقیدتی و... در عرصه عمومی اجتماع و همچنین وجود اختلاف‌های فرهنگی میان مردمی که در فضاها و مناطق جغرافیایی گوناگون زندگی می‌کنند باعث شده است که این اختلاف‌ها به فضای سایر نیز تعمیم یابد. تناظر آرا و اندیشه‌های سیاسی در

بسیاری از سایتها و فضای سایر در کنار وجود ریشه‌هایی از تفاوت‌های نژادی و جغرافیایی، شبکه‌های اجتماعی را به محیطی برای تضارب آرا و مناظره‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل نموده است. جوامع بر اساس احساس تعلق به مکان جغرافیایی، ارزش‌های مشترک، کوشش جمعی و سنت و تاریخ محلی شکل می‌یابند، نه به‌وسیله به هم پیوستن گروهی از مردم با علایق مشترک. در فضای سایر بر اساس ویژگی‌هایی که برای آن تعریف شده است شاهد یک چهره جدید از جامعه انسانی هستیم. تکیه فضای سایر بر ایجاد زیرساخت‌های فنی و ارتباطی که در محیط جغرافیایی واقعی خلق و توسعه می‌یابد یکی از ابعادی است که از نظر جغرافیایی قابل توجه است. تفاوت‌های چشمگیری که در خصوص نفوذ اینترنت در مناطق جغرافیایی مختلف در سطح کره زمین وجود دارد مبین این امر است که شرایط اقتصادی و جغرافیایی که در این مناطق وجود دارد و نیز توانایی‌های فنی و خواست سیاسی حاکمیت نقشی تعیین کننده در گسترش رویکرد مردم به استفاده از این فضا دارد. بر این اساس، این فضا از دیدگاه جغرافیای سیاسی به لحاظ تأثیری که محیط سیاسی بر رویکردهای فضای سایر دارد و نقش فضای سایر در مورد رقابت‌های سیاسی که میان کشورهای مختلف و نیز منافع ملی و برخورد میان گروه‌های اقلیت با قدرت‌های محلی، ملی و بین‌المللی (Dahan and Sheffer, 2001: 102) حائز اهمیت بسیار بوده به گونه‌ای که هنری لفریور بر این باور است که اینترنت هم یک فضای بازنگایی شده و هم یک بازنگایی از فضا است (Warf and Grimes, 1997: 262) زیرا همه بازنگایی‌ها بازتاب علایق موجود است. با توجه به خصیصه تعلق فضایی و مکانی فضای مجازی و نقش‌آفرینی حکومت‌ها و نهادهای ملی و فراملی در حوزه فضای سایر، داشتن بار و وزن سیاسی فضای مجازی به‌عنوان یک فضای جغرافیایی و پدیده‌ای نوظهور، امری بدیهی است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

۳. تعامل سیاست و فضای مجازی

اندرسون فضای سایر را واقعیت خلق شده بوسیله کامپیوتر می‌داند. در حقیقت سایبرنتیک انعکاس، تبلور و تجلی فضای واقع است هر چند ماهیت و عناصر این دو فضا با یکدیگر متفاوت است. اصل اساسی شکل‌گیری فضای سایر، الزامات و ملاحظات فضای واقعی است؛ موجودیت، معنا و حیات آن تابع فضای واقعی است. دو جهان واقعی و سایبری با یکدیگر رابطه دارند. جهان واقعی با خصوصیتاتی مانند داشتن جغرافیای فیزیکی و انسانی، نظامهای سیاسی، محدود و مادی بودن و دنیای سایبری با ویژگی‌هایی نظیر بیمکانی فیزیکی، فرازمانی، دسترسی هم زمان در فضا و تکثر داشتن شناخته می‌شود. هویتها و مکانه‌ها در فضای سایر به راحتی قابل اغماض و پنهان شدن هستند و مرزهای محدودکننده تا حد زیادی، جای خود را به مرزهای شیشه‌ای و حتی نامرئی می‌دهند. تصور فضای سایبری بدون فضای واقعی امکان ندارد و این امر دلالت بر واقعی بودن ریشه‌های فضای سایر دارد (عزیزی فر، ۱۳۹۶):

۳۱ و ۳۲).

حاکمیتها به لحاظ ساختاری چون تأمین کننده شرایط مکانی مادی و سخت افزاری سایبرنتیک می باشند و دارای توانایی کنترل دسترسی یا عدم دسترسی افراد به این فضا می باشند؛ تأثیری تام و تمام کننده بر سایبرنتیک دارند. از دیدگاه فلسفی نیز، مخلوق در برابر خالقش دارای اراده ای نیست. خالق مخلوق را به صورت یک پدیده می نگرد و بنابراین مخلوق قادر نیست که بر خالق خود غلبه کند و استیلا یابد (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۴۳).

اطلاعات همیشه تأثیر مهمی بر قدرت داشته اند، اما حوزه سایبر یک محیط مصنوعی جدید و غیرقابل پیش بینی است که فضای واقعی را متأثر از کنشهای خود می گرداند. در حقیقت، فضای مجازی با فضای واقعی رابطه دارد. هر چند در فضای مجازی، واقعیتها ماهیتی دارند که با ماهیت فضای واقعی تفاوت دارد، ولی آنها در اصل انعکاس، تبلور و تجلی واقعیتهای فضای واقعی هستند که برپایه نقش آفرینی الکترونها و پرتوهای نوری تغییر ماهیت داده و از واقعیت فیزیکی به واقعیت مجازی بصری تبدیل شده اند (عزیزی فر، ۱۳۹۶: ۱۸).

با توجه به ویژگیهای فضای سایبر مدیریت این فضا متفاوت از فضای واقعی و مشکلتر از آن است ولی ضرورت آن بر اساس آنچه که شرح دادم، امری بدیهی می نماید. بر این اساس و با توجه به شرحی که از تعامل سیاست و فضای مجازی برشمردم، همانگونه که سازماندهی سیاسی فضا، در کنترل و مدیریت فضای واقعی موثر است، انطباق آن با فضای مجازی و الگوبرداری از آن، می تواند در امر مدیریت این فضا راهگشا باشد. به همین دلیل در ادامه به بررسی سازماندهی سیاسی فضا می پردازیم.

۴. سازماندهی سیاسی فضا

اشکال گوناگون سیاستهای یک دولت به نوعی محتوای فضایی دارد، لذا هرگونه فعالیت برنامه ریزی دولت ها و حکومتها در راستای آمایش فضا، شکل فضایی مدیریت روابط است (cox & ETC, 2008: 121) و به طور کلی سازمان فضایی، ترتیب و توزیع نظام یافته واحدهای یک مجموعه در فضا، در راستای عملکردهای عمومی مجموعه است (زیاری، ۱۳۸۰: ۳۶). در همین راستا، پدیدههای جغرافیایی مشترکی بین فرآیندهای ناحیه ای مطرح می شود که این پدیدهها در مسیر مطالعه ناحیه بندی قرار دارند (obydenkova, 2006: 7)؛ که در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

۴,۱. ناحیه جغرافیایی - سیاسی و سازماندهی آن

ناحیه جغرافیایی، به پایین ترین لایه تقسیمات فضایی سطح زمین اطلاق می شود که در آن عوامل ساختاری و کارکردی به وحدت متجانس رسیده و از هویتی یگانه و تجزیه ناپذیر در بعد فضایی برخوردار باشد (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۲: ۱۷). از دیدگاه «یانگ»^۱ ناحیه به جایی گفته می شود که انسجام

1. k.young

فرهنگی - اقتصادی و همچنین تفکرات، تعلیم و تربیت و نهادهای حاکم بر آن، آن را از دیگر سرزمین‌ها مشخص می‌کند. همچنین ناحیه به مثابه فرآیندی است که روابط اجتماعی نهادهای افراد آن به وسیله تأثیرات متقابلی که در داخل فضا و زمان باهم دارند، ساختار می‌یابد (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹). یکی از مشکلات هر ناحیه، رسیدگی به مسئله ترسیم درست مرزهای فضایی آن ناحیه است (همان: ۲۳) و سازمان‌دهی به نظام فضایی نواحی به منظور فعالیت در سطوح ناحیه‌ای، باهدف «سازمان‌دهی فضایی» صورت می‌گیرد (سرور، ۱۳۸۴: ۱). ناحیه بندی، به عنوان یک فرآیند دینامیک سبب درک بهتر فرآیند دائمی شکل‌گیری نواحی به عنوان واحدهای ژئوپلیتیکی و به معنی همکاری سیاسی سازمان‌یافته در داخل گروه خاصی از کشورها و اجتماعات ناحیه‌ای به عنوان جوامع کثرت‌گرا هست (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱) و در این راستا، پدیده‌های جغرافیایی مشترکی بین فرآیندهای ناحیه‌ای مطرح می‌شود که این پدیده‌ها در مسیر مطالعه ناحیه بندی قرار دارند (obydenkova, 2006: 7). از سوی دیگر، ناحیه سیاسی را می‌توان در یک الهام سیاسی از وحدت کارکردی مناطق رسمی ارتباطات بین‌المللی جستجو کرد (Muir, 1975: 191).

ناحیه سیاسی که در قلمرو اراده سیاسی و فرمانروایی یک قدرت سیاسی قرار می‌گیرد، از ارکان سازمان‌دهی سیاسی فضا به شمار می‌آید (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷)؛ و این فضا و ناحیه سیاسی به منظور اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی آن با سایر نواحی و نیز تعریف و استقرار نهادهای سازمانی محلی، مرزهای ناحیه و کانون، به سازمان‌دهی سیاسی نیاز دارد که برخی از اصول آن به شرح زیر است:

۱- تسهیل ارائه خدمات به مردم

۲- دسترسی مردم به کانون ناحیه و مراکز خدمات‌دهی

۳- مشارکت مردمی در فرآیندهای سیاسی

۴- امنیت و آرامش عمومی

۵- وحدت و وفاداری ملی (حافظ نیا، ۱۳۷۷: ۱۳).

این سازمان‌دهی، بستر مناسبی برای ایجاد توازن و تعادل منطقه‌ای مهیا کرده و منجر به حفظ بقای ملی و ابزارهای آن یعنی امنیت ملی و امنیت داخلی و ثبات و پایداری دولت-کشور می‌شود (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲). از نقطه نظر امنیت داخلی، هدف سازمان‌دهی سیاسی فضا عبارت است از ایجاد نظام مطلوب ناحیه بندی سیاسی به منظور حفظ یکپارچگی ملی، برای رشد و توسعه پایدار و متوازن (احمدی پور، ۱۳۸۰: ۵۶۶) که در سه مرحله؛ تعریف الگوی معیار، بررسی و عملیات میدانی و سازمان‌دهی صورت می‌پذیرد (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۰)؛ که در ادامه به به کمک مدل ارگون به انطباق این

مراحل در فضای مجازی می پردازیم.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش با استفاده از گام‌های مدل ارگون و بر مبنای مفاهیم نظری مطرح شده، چگونگی سازمان‌دهی سیاسی فضای مجازی و ترسیم تهدیدات امنیتی آن، ارائه می‌گردد.

۱. گام اول مدل ارگون؛ «اکنون کجا هستیم؟»

در این گام که توصیف وضع موجود است؛ به بررسی وضعیت کنونی سازمان‌دهی سیاسی فضای مجازی و امنیت آن می‌پردازیم.

ظهور فضای مجازی موجب شده تا گروه‌های دارای مرزهای سخت جای خود را به گروه‌های مجازی با مرزهای منعطف بدهند. در این فضا روابط اجتماعی متنوع و متکثر بر اساس شبکه‌های گسترده روابط مجازی مبتنی بر هویت‌های مجازی شکل می‌گیرد. این فضا بر فرایند شکل‌گیری تشکلهای انسانی در مقیاس‌های مختلف محلی، منطقه‌ای و جهانی انجامیده و هویت فردی و ملی را دستخوش تحول قرار داده است (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

در فضای مجازی، پدیده‌ای نوظهور تحت عنوان شهروند مجازی و شهرهای مجازی به وجود آمده که این امر نشأت گرفته از ابعاد جغرافیایی این مفاهیم است (جونز و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۵۱). ساماندهی فضای مجازی در دو بعد زیرساخت‌ها و ارائه خدمات صورت می‌پذیرد. بعد زیرساختی جنبه مشترکی برای سازمان‌ها داشته و شامل خدماتی از قبیل سازمان‌دهی جغرافیایی سیستم و شبکه، مدیریت دانش و مدیریت اسناد، ارزیابی محصولات، گروه‌های خدمات تخصصی، مدیریت منابع و ... است. در چنین فضایی توانمندی کاربران در پردازش، ذخیره، انتقال، تولید و به کارگیری اطلاعات و دانش، بسیار بااهمیت است و کاربران از هرگونه محدودیت جغرافیایی، فیزیکی و اقتصادی به دور می‌باشند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

تمامی بخش‌های مختلف ارتباط میان مردم و دولت‌ها زیر نظر دولت الکترونیک انجام می‌شود و ممکن است همواره مورد تهدید باشد. از این رو امنیت و پوشش اطلاعات شخصی افراد، دو مسئله‌ای است که بیشترین اهمیت را در دولت‌های الکترونیک دارد. تهدیدات امنیتی برای اطلاعات در فضای مجازی به دودسته تقسیم می‌شوند: ۱- تهدیدات عادی با انگیزه معمولی همچون سرقت و کلاهبرداری ۲- تهدیدات امنیتی با انگیزه‌های سیاسی. در قلمرو فضای مجازی و شبکه اینترنت، مفهوم امنیت تنها به اطلاعات داده‌ها و فناوری‌های مربوط محدود نمی‌شود بلکه ممکن است شامل زیرساخت‌ها، سخت‌افزارها و عناصر ساختاری شبکه اینترنت در فضای جغرافیایی واقعی نیز باشد (همان، ۲۵۴).

با توجه به ویژگی‌های فضای مجازی همچون، نامحسوس بودن فاصله فیزیکی، حذف سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری، نامرئی بودن زیرساخت‌های فضا (Dodge, 1999)، جهانی بودن فضا و گمنامی و ناشناخته

ماندن کاربران، معیارهای سازماندهی سیاسی این فضا نیز متحول شده است. این معیارها عبارت‌اند از:

۱- شاخص جمعیتی ۲- شاخص‌های جغرافیای که شامل انواع مرز و شکل و اندازه محیط جغرافیایی هست ۳- شاخص سیاسی (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۰).

با این توصیف، سازماندهی سیاسی فضا و به تبع آن سازماندهی سیاسی فضای مجازی، به لحاظ الزامات امنیتی-سیاسی در راستای تقویت همبستگی محلی، ملی و مسائل دفاعی-امنیتی می‌تواند چارچوبی منطقی را ارائه کند (همان: ۷۴)، لکن با توجه به وضع موجود و به چالش کشیده شدن اعمال حاکمیت دولت‌ها، حوزه‌های امنیتی فضای مجازی (حوزه‌ها و مفاهیمی همچون اعتبارسنجی، انکار سرویس، مخرومانگی و صحت داده‌ها و اطلاعات) نیز با چالش جدی روبرو شده‌اند؛ و لذا شاهد سه دسته کلی تهدیدی در فضای مجازی هستیم: ۱- جاسوسی و کسب اطلاعات ۲- تغییر و تخریب اطلاعات و برنامه‌ها ۳- تروریسم مجازی (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۲۵۵-۲۷۰).

اوضاع تهدیدها و امنیت فضای سایبری حاکی از آن است که؛ در سطوح بین‌المللی، فاقد یک نهاد بین‌المللی برای مدیریت، کنترل و اعمال حاکمیت بر این فضا هستیم و به نظر می‌رسد دولت آمریکا همچنان مدیریت اصلی و پشت پرده فضای مجازی و شبکه اینترنت را بر عهده دارد (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۷۰) و عملاً با چنین روش مدیریتی مفهوم امنیت در فضای مجازی مفهومی انتزاعی بوده و نیازمند ساختارها و سازماندهی واقعی برای برقراری امنیت است. در همین راستا به سراغ گام‌های بعدی می‌رویم.

۵,۲. گام دوم مدل ارگون «به کجا می‌رویم؟»

گام دوم مدل ارگون که روند یک سناریوی محتمل را پیگیری می‌کند، مقصد را با فرض تداوم جهت‌گیری‌های جاری در فضای موجود تعیین می‌کند و بر اساس تحلیل‌ها و شرایط موجود، یک "سناریوی محتمل" تدوین می‌گردد که سیمای آینده را به صورت تداوم شرایط کنونی و بدون هیچ تغییر عمده‌ای در جهت‌گیری‌ها نمایش خواهد داد (گلکار، ۱۳۸۴: ۱۸).

فضای مجازی و تغییرات آن در دهه‌های آینده تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های عمومی، ابعاد و اهمیت گسترده‌ای دارد و موضوعی فراتر از توسعه الگوی فعلی خواهد بود. بر اساس چشم‌انداز جهان در ۲۰۲۵ سناریوها و تحلیل‌هایی ارائه شده که خطرات و تهدیدات امنیت سایبری یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آن است و کلید موفقیت در این میان، آماده‌سازی و تعادل است. نبودن معیار و مقیاسی برای امنیت سایبری، ملت‌ها و دولت‌ها را در بهره‌برداری از فضای مجازی و اینترنت دچار تردید خواهد کرد و این تردید مکانیزم‌های اعتماد به اینترنت را در تعاملات بین دولت‌ها، هدف خواهد رفت (www.sarpoosh.com). بی‌شک فضای سایبری از تهدیدات جدی امنیت ملی کشورها؛ به‌ویژه ایران؛ در آینده خواهد بود و از آنجایی که این تهدیدات برای مهاجمین بسیار ارزان و دفاع در برابر آن پرهزینه خواهد بود،

پیشگیری در برابر آن امری اجتناب ناپذیر است (باغبان، ۱۳۹۵: ۱۰). به نظر می‌رسد عدم سازمان‌دهی سیاسی فضای مجازی و لجام گسیختگی آن به لحاظ امنیتی، تهدیدات بسیار جدی را رقم بزند که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱، ۲، ۵. جنگ سایبری

جنگ سایبری یا اینترنتی، ترکیبی از اشکال ذهنی اقدامات تروریستی، شبیه‌سازی، درگیری و کنترل واقعیت‌هاست که می‌تواند امنیت ملی کشور را تهدید کند (والترز، ۱۳۸۵: ۲۳) از جمله: ۱- خرابکاری اینترنتی ۲- گردآوری داده‌ها ۳- حملات گسترده اخلالی و سرویس‌دهی ۴- اخلال در تجهیزات ۵- حمله به زیرساخت‌های حیاتی (باقری و داداشی، ۱۳۹۴: ۹).

۲، ۲، ۵. حمله سایبری

حمله سایبری چیزی متفاوت از جنگ سایبری است. حمله سایبری اخلال در صحت یا درستی داده‌هاست که معمولاً از طریق کدهای مخرب و تغییر در منطق برنامه و کنترل داده‌ها که منجر به خروجی اشتباه می‌شود، صورت گرفته و شامل چهار حوزه می‌باشد: ۱- از دست دادن تمامیت ۲- از دست دادن قابلیت ۳- از دست دادن اطلاعات محرمانه ۴- تخریب فیزیکی (کهنسال و بابایی، ۱۳۹۵: ۹-۱۲).

۳، ۲، ۵. جاسوس سایبری

جاسوسی سایبری از رایانه‌ها و سیستم‌های مربوط به آن استفاده می‌کند تا اطلاعات محرمانه را جمع‌آوری نماید. بیشتر تأثیر آن سیاسی است و جامعه را تهدید می‌کند. محرک‌های اصلی جاسوسی سایبری متفاوت است که شامل کسب منافع نظامی، صنعتی و سیاسی می‌باشد (کهنسال و بابایی، ۱۳۹۵: ۹-۱۲).

۴، ۲، ۵. چالش‌ها و موانع اساسی امنیتی

در آینده می‌توان به مشکلات چالش‌های اساسی فراروی امنیت فضای مجازی به شرح زیر اشاره کرد:

۱- فقدان راهبرد مشخص در زمینه توسعه الکترونیک و امنیت فضای مجازی.

۲- فقدان سیاست ملی فضای سایبری.

۳- افزایش احتمال دستبرد اطلاعات محرمانه کشور و یا خرابکاری توسط بیگانگان.

۴- فقدان متولی مشخص در زمینه توسعه الکترونیک امنیت فضای مجازی (گرامی و علی‌اکبری، ۱۳۹۶: ۴).

بنابراین همان‌طور که یکی از مهم‌ترین بخش‌های قدرت ملی امروز، از قدرت اطلاعات برمی‌خیزد، یکی از مهم‌ترین بخش‌های امنیت و امنیت ملی نیز از امنیت و حفاظت اطلاعات برمی‌آید که به موازات افزایش ابعاد فضای مجازی در زندگی بشر، حجم تهدیدات و آسیب‌های آن نیز افزایش خواهد یافت.

۳، ۵. گام سوم مدل ارگون "کجا می‌خواهیم باشیم؟"

درواقع این گام که همان سناریوی ممکن و مرجح می‌باشد، هسته مرکزی فرآیندی است که هدف آن

تدوین چشم انداز است. در این گام بر اساس "سناریوی محتمل" یک "سناریوی مرجع" تدوین می شود. سناریوی مذکور سیمای جامعه را در آینده؛ در صورتی که مسیر پاسخگویی به روندهای بازشناسی شده و مباحث نوظهور را به شیوه‌ای سازگار با ارزش‌های محوری خود در پیش بگیرد، نشان خواهد داد. نهایتاً این تصویر "آرامانی واقع‌گرایانه" همان تصویری است که پس از پالایش و تدقیق و ترجیحاً به همراه مصورسازی‌های لازم، ارائه می‌گردد (گلکار، ۱۳۸۴: ۱۸). این گام در ارتباط با امنیت فضای مجازی، به نحوه سازمان‌دهی سیاسی فضای مجازی و تمهیدات امنیتی در ارتباط با آن اشاره دارد که شامل اقدامات زیر است:

- ۱- حفظ بقای ملی و ابزارهای آن، یعنی امنیت ملی و داخلی در حوزه فضای مجازی.
- ۲- امکان نظارت مستمر بر فضای مجازی.
- ۳- فراهم شدن بستر مناسب و امن برای مشارکت نهادینه و مستمر کاربران.
- ۴- بهره‌برداری اصولی‌تر و بهینه از قابلیت‌ها و امکانات نواحی مختلف فضای مجازی.
- ۵- تقویت همبستگی ملی و محلی و مسائل دفاعی-امنیتی.
- ۶- تسهیل در مکانیسم گردش امن اطلاعات.
- ۷- اداره بهتر امور و امنیت عمومی.
- ۸- ایجاد فرآیندهای توسعه‌ای ایمن.
- ۹- ایجاد چارچوب فضایی مناسب برای گسترش سازمانی.
- ۱۰- حداقل تعارضات در ابعاد مختلف سیاسی و امنیتی در کالبد فضای مجازی (گرامی و علی‌اکبری، ۱۳۹۶: ۵).
تحقق این مراحل اعمال حاکمیت در سطح ملی تنها با استفاده از سازوکارها و راهبردهای فنی و ابزاری و نیز قانونی انجام می‌شود و در ارتباط با فضای مجازی این راهبردها شامل رده‌های مختلف شیوه‌های تأمین امنیت در فضای مجازی، راه کارهای امنیتی و راه‌های مقابله با حملات سایبری می‌باشند که در گام بعدی شرح آن خواهد آمد.

۵,۴. گام چهارم مدل ارگون "چگونه به آنجا برسیم؟"

در این مرحله که اهداف و راهبردها و اولویت‌های تعریف شده محقق می‌شود، منطقه و فضای جغرافیایی برای نیل به چشم‌انداز موردنظر، برنامه‌ریزی می‌کند. این مرحله، ماهیتاً یک فرآیند مستقل و کامل برنامه‌ریزی راهبردی یا برنامه‌ریزی اجرایی است که راهبردهای کوتاه‌مدت و اقدامات لازم جهت هدایت مناطق به سمت چشم‌انداز طولانی‌مدت را تدوین می‌نماید (همان: ۱۹). با توجه به شرایط فضای مجازی در سطح بین‌المللی و عدم وجود مدیریت کارآمد و امن، موجب شده که این مدیریت در سطح حوزه ملی با اتخاذ شیوه‌های تأمین امنیت در فضای مجازی قابل اعمال باشد. این شیوه‌ها به قرار زیر است:

- ۱- ایجاد و توسعه پلیس مجازی

همان‌گونه که در سازمان‌دهی سیاسی فضا، عوامل ساختاری و کارکردی در ناحیه جغرافیایی به وحدت متجانس رسیده و از هویتی یگانه و تجزیه‌ناپذیر در بعد فضایی برخوردار می‌شوند، در سازمان‌دهی سیاسی فضای مجازی نیز به دلیل تناظر با فضای واقعی، این امر به شیوه ناحیه بندی محقق می‌شود.

۵،۴،۲. سازمان‌دهی سیاسی فضای مجازی به روش ناحیه بندی کارکردی در این روش بررسی کیفیت توزیع کارکردها و پیوستگی کارکردی در داخل ناحیه فضای مجازی مورد تأکید است و می‌توان در راستای نظریه راندینلی از آن بهره برد.

در روش ناحیه بندی کارکردی، گردآوری اطلاعات زیر اساس کار محسوب می‌شود:

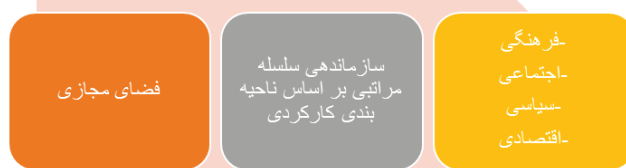
۱- خدمات ارائه‌شده در فضای مجازی (اعم از خدمات شخصی و خدمات حرفه‌ای).

۲- مراکز و پایگاه‌های ارائه خدمات در فضای مجازی

۳- سازمان‌ها و مؤسسات گردآورنده فضای مجازی

در این روش پس از گردآوری اطلاعات مذکور، نواحی فضای مجازی که دارای کارکردهای زیاد و متنوعی هستند در بالا و نواحی با کارکرد کم در پایین سلسله‌مراتب قرار می‌گیرند. مهم‌ترین نکته در این روش، ارتباط داخلی مابین ساختار فضایی و الگوهای حرکت در درون یک سیستم فضایی است و می‌تواند برای مقیاس‌های گوناگون از سیستم‌های درون ملی بکار رود (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳۷).

اقدام بعدی تعیین حدود نواحی کارکردی بر مبنای گروه‌بندی واحدهای محلی برخوردار از ارتباطات و همبستگی‌های متقابل است و این بدان معناست که دیگر وجود ناحیه مرکزی و یا همگن بودن نواحی جمعیتی کاربران ملاک نیست بلکه بر اساس نیازمندی اطلاعاتی و به‌صورت سلسله مراتبی، اطلاعات واگذار خواهد شد (عزیزی فر، ۱۳۹۶: ۷۲). همان‌طور که در شکل زیر نشان داده شده، در این روش اطلاعات بر اساس کارکردها به رسته‌های (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) تقسیم می‌شوند.



منبع: نویسندگان

این رسته بندی باعث تخصصی تر شدن مباحث فضای مجازی شده و کنترل و مدیریت آنرا تسریع می کند. با اتخاذ این شیوه ساماندهی، شاهد بالا رفتن سرعت بهره برداری از فضای مجازی نیز هستیم که این خود ضریب امنیت در این فضا را بالا می برد.

افزایش ضریب امنیت موجب؛ تقویت بخش خصوصی و تقویت توانمندی‌ها، توسعه اقتصادی برای کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت خدمات، تقویت امنیت نرم برای حراست در برابر خطرات ناملموس و حفاظت از زیرساخت‌ها (سلطانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷-۳۰) می شود.

۶. نتیجه گیری

با توجه به گسترش روزافزون فضای مجازی و آنچه در این حوزه بیان شد، کنترل و مدیریت نظام‌مند این فضا بیش از پیش ضروری است. از آنجاکه فضای مجازی و کاربران آن تجلی فضای واقعی هستند، حفاظت از اطلاعات آن نیز امری حیاتی است. یکی از روش‌های مؤثر در برقراری نظم و کنترل و امنیت این فضا، سازمان‌دهی سیاسی فضای مجازی بر پایه سلسله‌مراتب و با استفاده از روش ناحیه بندی کارکردی فضا است که در قالب گام‌های چهارگانه مدل ارگون چگونگی آن ارائه گردید و مشخص شد که تمامی راهبردها و راهکارهای امنیتی، با سازمان‌دهی سیاسی بهتر و کارتر محقق می‌شوند. برآیند این گام‌ها مشخص می‌کند سازمان‌دهی سیاسی فضا باید به گونه‌ای باشد که در آن، اولاً؛ سطوح با توجه به پارامترهای موردنظر ارزش گذاری شوند و الزاماً باید سطوح را تقسیم نمود و اجزاء همگن را در یک سطح مجزا قرارداد؛ و دوماً؛ از آنجاکه کاربران مستقل‌اند، به هم پیوستگی گروه‌ها باید مدنظر قرار گیرد. در نتیجه تمهیدات امنیتی که بدین سان از طریق طی گام‌های چشم‌انداز ارگون و ناحیه بندی سیاسی پدید می‌آید، همان‌طور که در مقاله شرح داده شد؛ موجب تقویت بخش خصوصی و تقویت توانمندی‌ها، توسعه اقتصادی برای کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت خدمات، تقویت امنیت نرم برای حراست در برابر خطرات ناملموس، ایجاد توازن در ابعاد هویتی برای حفظ انسجام ملی، تقویت دیپلماسی عمومی، انعطاف‌پذیری فرهنگی، توسعه سیاسی و بازتولید نسلی پشتیبان از طریق گسترش مردم‌سالاری دینی و حفاظت از زیرساخت‌ها می‌شود. بدین سان، داده‌های کمی و اطلاعات رقومی در فضای مجازی را نیز می‌توان در چارچوب این تمهیدات سازمان‌دهی کرد.

منابع و مآخذ:

- احمدی پور، زهرا (۱۳۸۰)؛ «پایداری امنیت عمومی در بستر تقسیمات کشوری»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش امنیت عمومی و وحدت ملی، ج اول، معاونت امنیتی و اجتماعی وزارت کشور.
- احمدی پور، زهرا؛ قنبری، قاسم؛ کرمی، قاسم (۱۳۹۲)؛ «سازمان‌دهی سیاسی فضا»، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- باغبان، مهدی (۱۳۹۵)؛ «فضای سایبری از تهدیدات آینده امنیت ملی کشورها»، کنفرانس پدافند غیرعامل در قلمرو فضای سایبر.
- باقری، حسین؛ داداشی، شیرزاد (۱۳۹۴)؛ «نقش جنگ اطلاعات در جنگ‌های آینده»، چهارمین همایش سراسری علوم و مهندسی دفاعی در سپاه.
- برزینسکی، زیگنو (۱۳۶۹)؛ «در جست‌وجوی امنیت ملی»، ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران: انتشارات سفید.
- بوزان، باری؛ ویور، الی (۱۳۸۸)؛ «مناطق و قدرت‌ها»، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جونز، مارتین و دیگران (۱۳۸۶)؛ «مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی»، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۷)؛ «دولت محلی»، جزوه درسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)؛ «جغرافیای سیاسی فضای مجازی»، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ مراد، کاویانی راد (۱۳۹۲)؛ «افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی»، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ زهرا، پیشگاهی فرد؛ عبدالرضا، فرجی راد (۱۳۹۶)؛ «چالش‌های حکومت‌ها در فضای مجازی - مطالعه موردی: تونس و لیبی»، تهران: فصلنامه علمی پژوهشی امنیت پژوهی، سال شانزدهم، شماره ۵۹.
- زیاری، کرامت الله (۱۳۸۰)؛ «اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای»، ج دوم، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- سرور، رحیم (۱۳۸۴)؛ «جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین». ج اول، تهران: انتشارات سمت.
- سلطانی نژاد، احمد؛ موسوی شفقانی، مسعود؛ اسدی نژاد، الهام (۱۳۹۲)؛ «تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۸۰»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۲)، «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا»، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- عزیزی فر، محمدجواد (۱۳۹۶)، «تأثیر فضای سایبر بر مؤلفه‌های جغرافیایی - سیاسی امنیت ملی، با تأکید بر هویت ملی و مذهبی ایران»، رساله دکتری، استاد راهنما: کریمی پور، یدالله، دانشگاه خوارزمی.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۳)؛ «امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی»، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۶.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۸۱)؛ «مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری در ایران»، جلد اول، تهران: انجمن جغرافیایی ایران.

- کهنسال، منیره؛ بابایی، عبدالله (۱۳۹۵)؛ «امنیت سایبری، تهدیدها و اثرات آن بر امنیت ملی»، کنگره بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گرامی، محسن؛ علی‌اکبری، حسین (۱۳۹۶)؛ «امنیت فضای مجازی»، کنفرانس ملی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات، تیرماه ۱۳۹۶.
- گلکار، کوروش (۱۳۸۴)؛ «پیشنهاد یک چارچوب مهندسی برای صورت‌بندی بیانیه چشم‌انداز»، نشریه پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۴، ص ص ۲۵-۳۶.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۰)؛ «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی»، تهران: انتشارات سمت.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱)؛ «فلسفه کارکرد ژئوپلیتیک - مفاهیم و نظریه‌ها در عصر فضای مجازی»، تهران: انتشارات سمت.
- Cox, Kevin & ETC. (2008). **The Sage Handbook of Political Geography**. Bangalor, India: CE PHA Imagine PVT.
- Dodge, Martin (1999), **The Gographies of Cyber- Space**, London: University of London.
- Dahan, Michael and Sheffer, Gabriel. (2001). **Ethnic Groups and Distance Shrinking**.
- Muir, Richard. (1975). **Modern Political Geography**, London: Macmilhan Press Ltd.
- Obydenkova, Anastassia. (2006), **democratization, Europeaenization and Regionalization Beyond the Union: Search for Empirical Evidcece**.
- Warf, Barney and Grimes, John. (1997). **Counterhegemonic Discourses And The Internet. The Gcographical Review** 87(2): April 1997. Pp 259-274.
- www.sarpoosh.com